انترناسیونال 815

حمید تقوایی

**جمهوری اسلامی و تبلیغات جنگی**

*این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است*

**کیوان جاوید :** رسانه ها و مقامات جمهوری اسلامی از احتمال حمله نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی صحبت میکنند. دلایل این امر چیست؟ آیا واقعا چنین احتمالی وجود دارد؟

**حمید تقوائی :** به نظر من گفتمان حمله نظامی آمریکا اساسا یک امر سیاسی - تبلیغی است. جمهوری اسلامی همیشه، بويژه زمانی که در یک موقعیت بحرانی و زیر فشار قرار میگیرد، خطر جنگ و حمله نظامی آمریکا را عَلَم میکند و از بسیج و آماده سازی جامعه و آرایش جنگی و غیره دم میزند. این رجزخوانیها اساسا کاربرد داخلی دارد.

تا آنجا که به سیاستهای دولت آمریکا برمیگردد، لااقل در شرایط فعلی، صحبتی از حمله نظامی در میان نیست. دولت آمریکا تحریم و فشارهای اقتصادی را تشدید کرده است و امیدوار است از این طریق، همانطور که بارها اعلام کرده اند، جمهوری اسلامی "تغییر رفتار " بدهد یعنی سیاستها و اهداف دولت آمریکا را در منطقه - در رابطه با اسرائیل در رابطه با حزب الله و در عراق و غیره- مد نظر قرار بدهد و خودش را با آن منطبق کند. این شرایطی است که دولت آمریکا برای مذاکره و رسیدن به یک توافق تازه با جمهوری اسلامی اعلام کرده است و میخواهد با اعمال تحریمها و فشار اقتصادی جمهوری اسلامی را وادار کند به این شرایط تن بدهد. حمله نظامی خدمتی به این هدف نمیکند. حمله نظامی علاوه بر اینکه فعلا از نظر سیاسی تاکتیک مناسبی برای دولت آمریکا نیست از لحاظ عملی هم بعد از وضعیتی که در منطقه بوجود آمده چندان امکان پذیر نخواهد بود.

شرایط و بالانس قوا در منطقه، که خود نتیجه ناکامی های سیاسی یورشهای نظامی قبلی و کلا شکست سیاست هژمونی طلبی میلیتاریستی آمریکا است، بلوکبندیهائی که ایجاد شده ومعضلاتی که در سوریه و عراق و افغانستان در مقابله با بلوک روسیه دارند، اینها همه شرایط کاملا تازه و متفاوتی را بوجود آورده است. بن بست و ناکامی های سیاسی آمریکا بعد از حملات نظامی اش به افغانستان و عراق که ترامپ مدام بر آن تاکید دارد باعث شده است آمریکا اعلام کند از سوریه عقب خواهد کشید. در افغانستان هم ناگزیر شده اند دوباره به طالبان میدان بدهند. در چنین شرایطی بسیار بعید است دولت آمریکا به حمله نظامی تازه ای دست بزند. میتوان گفت شکست سیاست هژمونی طلبی میلیتاریستی آمریکا، سیاستی که از فروپاشی دیوار برلین شروع شد و با ختم دوره ریاست جمهوری بوش به آخر رسید، هم از نظر عملی و هم از نظر سیاسی شروع جنگ تازه ای در خاورمیانه را از دستورهیات حاکمه آمریکا خارج کرده است.

**کیوان جاوید :** اگر خطر جنگ در چشم انداز نیست چرا جمهوری اسلامی از ضرورت آرایش جنگی صحبت میکند؟ هدف خامنه ای از برجسته کردن خطرحمله نظامی و مقابله نظامی با آمریکا چیست؟

**حمید تقوائی :** به نظر من مهمترین مساله جمهوری اسلامی در شرایط حاضر تحکیم موقعیت خودش در برابر یک جامعه معترض و بپاخاسته است. جمهوری اسلامی، مانند هر حکومت دیکتاتوری دیگری، اساسا برای حفظ خود در قدرت به دشمن خارجی نیاز دارد. مرعوب کردن مردم و گسترش و تشدید اختناق، توجیه سیاستهای سرکوبگرانه، عقب راندن مبارزات مردم به بهانه خطر جنگ، منسجم کردن صفوف حکومت و غیره از جمله اهداف جمهوری اسلامی از دامن زدن به گفتمان حمله نظامی و تبلیغات جنگی است.

به این نکته هم باید توجه داشت که جناحهای حکومتی موضع یکسانی در رابطه با برخورد به دولت ترامپ ندارند. فشار تحریمهای اقتصادی و اینکه به نحوی باید این مساله را حل کرد بر دوش حکومت سنگینی میکند و به تنشها و نزاعهای جناحی شدت میبخشد. جناح روحانی میخواهد در را برای مذاکره باز بگذارد و این پیام را به دولت ترامپ بدهد که در شرایط معین و بر سر مسائل معینی حاضر به مذاکره هستند. در مقابل، خامنه ای سعی میکند صفوف حکومت را زیر شعار "مذاکره ممنوع" و مرگ بر آمریکا و آرایش جنگی علیه آمریکا و غیره منسجم کند و کشمکشهای درونی حکومت را تخفیف بدهد و لااقل نگذارد این درگیریها حاد و یا علنی بشود. ولی حتی خامنه ای هم میداند نهایتا بجز مذاکره و تن دادن به برخی شرایط دولت آمریکا، البته با حفظ رتوریک و تبلیغات ضد شیطان بزرگ، چاره ای ندارند. خامنه ای با این نوع تبلیغات جنگی تلاش میکند با سیلی صورت خودش را سرخ نگهدارد.

در هر حال مستقل از اختلافات جناحی کلا ایجاد فضای جنگی و مرعوب کردن جامعه از خطر جنگ را باید جزئی از تلاشهای مذبوحانه حکومت برای حفظ قدرت و موقعیت خودش در مقابل با توده مردم معترض و سرنگونی طلب بحساب آورد.

**کیوان جاوید :** وقتی به صحنه سیاسی در سطح بین المللی نگاه میکنیم شواهدی نشان میدهد که مساله فقط تبلیغات حکومت نیست. همه میدانیم جان بولتون مشاور امنیت ملی دولت ترامپ طرفدار جنگ است و دولت اسرائیل و عربستان هم طرفدار حمله نظامی به ایران هستند. ظریف بر این انگشت میگذارد و میگوید گرچه خود ترامپ خواهان جنگ نیست ولی این نیروها میخواهند ترامپ را به سمت حمله نظامی و جنگ سوق بدهند. این را چطور توضیح میدهید؟

**حمید تقوائی :** جنگ طلبی این نیروها امر تازه ای نیست. دولت اسرائیل همیشه خواهان حمله نظامی به ایران بوده است. جناحهای تندروئی هم در هیات حاکمه آمریکا - جناح باصطلاح بازها- همیشه طرفدار جنگ و قدرتنمائی نظامی بوده اند. دولت عربستان هم در سالهای اخیر به جرگه هوادارن جنگ علیه جمهوری اسلامی پیوسته است. اما شرایط سیاسی به نفع طرفداران جنگ نیست. نافرجامی استراتژی میلیتاریستی آمریکا در منطقه - که مخالفت با آن جزئی از کمپین انتخاباتی ترامپ بود- فعلا قدرتنمائی نظامی را از دستور هیات حاکمه آن کشورخارج کرده است.

همانطور که اشاره کردم سابقه و تجربه منفی آمریکا در رابطه با سوریه و عراق و حتی افغانستان از نظر استراتژیک دست زدن به یک ماجراجوئی نظامی تازه بوسیله دولت ترامپ را بسیار نامحتمل میکند. از نظر تاکتیکی نیز حمله نظامی به ایران به هدف اعلام شده دولت ترامپ یعنی عقب راندن و تضعیف جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته آن در منطقه خدمتی نخواهد کرد. حتی برعکس چنین حمله ای زمینه تازه ای برای رشد و گسترش نفوذ نیروهای اسلامی ضد آمریکائی ایجاد خواهد کرد.

در چنین شرایطی جنگ طلبی نیروهائی نظیر دولت اسرائیل و یا عربستان و حتی کسانی مثل جان بولتون نمیتواند نقش چندانی در ترغیب هیات حاکمه آمریکا به حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی داشته باشد.

**کیوان جاوید :** ولی دولت آمریکا شدید ترین و سنگین ترین تحریمهای اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده است. اعلام کرده است میخواهد صدور نفت جمهوری اسلامی را به صفر برساند و از کشورهائی که از تحریم معافیت داشتند خواسته است از ایران نفت وارد نکنند. آیا همه اینها نمیتواند رژیم را بجائی برساند که چاره ای بجز رودرروئی نظامی نداشته باشد؟ چون با ادامه تحریمها اقتصاد جمهوری اسلامی کاملا فروخواهد پاشید و حکومت را با مساله بقا روبرو خواهد کرد. نظرتان چیست؟

**حمید تقوائی :** به نظر من هم مساله تحریم نفتی میتواند رژیم را در آستانه فروپاشی کامل قرار بدهد. مقامات جمهوری اسلامی گفته اند اگر آمریکا بخواهد صدور نفت را به صفر برساند تنگه هرمز را خواهند بست. دولت آمریکا هم به این تهدید اینطور پاسخ داده است که اجازه نمیدهیم این کار را بکنید. گفته میشود این تنش به درگیری نظامی خواهد انجامید. اما به نظر من این هنوز به معنی آن نیست که واقعا جنگی در خواهد گرفت. کاهش صادرات نفت فشار بر جمهوری اسلامی برای بازگشت به میز مذاکره را افزایش خواهد داد و نه درگیری نظامی را. از فرمانده سپاه تا خامنه ای و تا هرکسی در منطقه و در دنیا میداند که جمهوری اسلامی توان مقابله نظامی - حتی در یک سطح مقطعی و موردی- با آمریکا ندارد. این روشن است.

رجزخوانی و تبلیغات جنگی یک بحث است و اینکه چقدر رژیم میتواند این رجزخوانیها را عملی کند - مثلا تنگه هرمز را مسدود کنند- تماما بحث دیگری است. این امر قدرت نظامی ای لازم دارد که جمهوری اسلامی از آن برخوردار نیست. بنابرین در عین اینکه فشارهای اقتصادی ممکن است واقعا در حد انفجارآمیزی بالا برود این امر باحتمال زیاد جمهوری اسلامی را به سمت مذاکره و تن دادن به شرایط دولت آمریکا سوق خواهد داد. جمهوری اسلامی عملا راه برون رفت دیگری ندارد. مقامات حکومت هم این را میدانند و من فکر میکنم حتی موضع خامنه ای این نیست که به هیچوجه مذاکره نکنند. به احتمال زیاد در پشت پرده بدنبال این هستند که دوباره به سر میز مذاکره برگردند. جمهوری اسلامی مخالفت اصولی ای با مذاکره ندارد به شرط اینکه در ظاهر و از نظر سیاسی و تبلیغاتی اینطور به نظر نرسد که تسلیم شده است. صورت مساله رژیم این است که چطور فشار اقتصادی را بردارند و یا لااقل کاهش بدهند، بی آنکه از نظر سیاسی اعتبار و موقعیتشان لطمه بخورد. مذاکره مخفیانه در عین رجز خوانی و رتوریک همیشگی علیه شیطان بزرگ میتواند راه حلی برای این مساله باشد.

**کیوان جاوید :** در دوره اوباما جمهوری اسلامی مذاکره کرد و امکانات زیادی بدست آورد ولی در این دوره، ترامپ اعلام کرده است رژیم باید از منطقه کنار بکشد. شرایطی که در مقابل جمهوری اسلامی گذاشته اند عملا برای حکومت چیزی برای ابراز وجود در منطقه باقی نخواهد گذاشت. آیا جمهوری اسلامی میتواند به چنین شرایطی تن بدهد؟

**حمید تقوائی :** این تناقض و پارادوکسی است که همیشه جمهوری اسلامی با آن مواجه بوده است. تناقض بین براه انداختن اقتصاد و راه یافتن به بازار جهانی با موقعیتش در منطقه و در جنبش اسلام سیاسی.

فراموش نکنیم که بحران اقتصادی رژیم زائیده تحریمها نیست. نه فقط در این دوره بلکه حتی در دوره برجام هم فلاکت و گرانی و بی تامینی اقتصادی در جامعه بیداد میکرد و اساسا همین شرایط غیر قابل تحمل معیشتی بود که به خیزش توده ای دیماه ٩٦ منجر شد.

با برجام یا بدون برجام اساس مساله اینست که جمهوری اسلامی با یک بحران مزمن و پایه ای اقتصادی- سیاسی مواجه است. امروز این بحران به اوج خودش رسیده است. با بسته شدن شیرهای صدور نفت اقتصاد جمهوری اسلامی دو هفته هم دوام نخواهد آورد و تماما فرو خواهد پاشید. بهمین خاطر این فشار برای حکومت مساله ای فوری و مبرم است. برای حل این مساله جمهوری اسلامی میتواند مانور بدهد و به نحوی با آمریکا به توافق برسد در عین اینکه صورت ظاهر ضدیت با شیطان بزرگ را هم حفظ کند. در دوره برجام هم همین شیوه را بکار برد.

از سوی دیگر دولت ترامپ خواستهای حداکثری خودش را اعلام کرده است ولی در عین حال گفته است حاضر به مذاکره بدون هیچ پیش شرطی است. یعنی میتوان بر سر شرایط توافق چانه زد. جمهوری اسلامی میتواند این سیاست را دنبال کند که با حداقل کوتاه آمدن فشار تحریمها را کاهش بدهد و مساله قطع صدور نفت را منتفی کند. دولت ترامپ هم قصدش این نیست که تا تسلیم کامل جمهوری اسلامی به همه شرایطش به تحریمها ادامه بدهد. این مساله هم مثل هر مذاکره و معاهده سیاسی- دیپلماتیکی جای مانور دارد و طرفین میتوانند مذاکره کنند و چانه بزنند و بنوعی توافق برسند.

با توجه به همه اینها در عین اینکه جمهوری اسلامی نمیتواند به همه شرایط آمریکا تن بدهد - چون معنی و نتیجه اش این خواهد بود که موقعیتش در جنبش اسلام سیاسی و در منطقه کاملا از دست خواهد رفت و این امر بنوبه خود جمهوری اسلامی را در خود ایران و در رابطه با جنبش سرنگونی طلبانه مردم در موقعیت بسیار ضعیفتر و شکننده تری ای از امروز قرار خواهد داد، ولی ادامه تحریمها نیز او را با مساله مبرم تر و عاجل تر بقا و حفظ قدرت مواجه خواهد کرد. به همین دلیل به نظر من رژیم تلاش خواهد کرد با بازگشت به میز مذاکره و تن دادن به بعضی از شرایط دولت ترامپ خود را از مهلکه فروپاشی کامل در اثر تحریمها نجات بدهد.

**کیوان جاوید :** این انتظار که با تحریم اقتصادی شدید و یا احتمالا جنگ جمهوری اسلامی سرنگون بشود چقدر در تفکر مردم جای دارد؟ آیا این امر به زیان مبارزات مردم است و یا به نفع آن؟

**حمید تقوائی :** این تبلیغاتی است که اساسا نیروهای اپوزیسیون راست، سلطنت طلبان و مجاهدین و غیره، به آن دامن میزنند چون میخواهند همین اتفاق بیفتد. میخواهند در اثر تحریمهای اقتصادی و یا حتی جنگ جمهوری اسلامی برکنار بشود تا بخیال خودشان راه برای قدرتگیری آنها باز بشود.

تا آنجا که به سیاستهای اعلام شده آمریکا بر میگردد بحثی از رژیم چنج در میان نیست و رسما عکس اش را اعلام کرده اند، یعنی گفته اند سیاست شان رژیم چنج نیست، تغییر رفتار حکومت است. این نیروهای اپوزیسیون راست هستند که به این تبلیغات دامن میزنند و تلاش میکنند با فعالیتهای لابی ایستی شان دولت ترامپ را به این سمت برانند.

روشن است که این تبلیغات و تلاشها بر مبارزات مردم کاملا تاثیرات منفی و مخربی دارد. هر اندازه این نوع تبلیغات در جامعه جا باز کند که گویا قرار است از بالای سر مردم تغییراتی صورت بگیرد، گویا قرار است مشکلات و مصائب مردم با کودتای پروآمریکائی و یا رژیم چنج و یا حمله نظامی حل و فصل بشود این کاملا به نفع حکومت و به ضرر جنبش سرنگونی طلبانه مردم خواهد بود. مردم نمیخواهند از چاله به چاه بیفتند. خوشبختانه مردم در مبارزاتشان نشان داده اند که دشمن خودشان را میشناسند و میخواهند بقدرت اعتراض و مبارزه خودشان حکومت را بزیر بکشند. در یکسال اخیرما شاهد گسترش اعتراضات و تجمعات و اعتصابات سراسری پر شکوه و بی سابقه ای در جنبش کارگری و در عرصه های مختلف بوده ایم. جامعه دارد میجوشد. این شرایط به نیروهائی مثل حزب ما امکان میدهد که در مقابل این نوع تبلیغات نیروهای راست و حتی بخشی از خود حکومت مبنی بر اینکه گویا قرار است رژیم چنج بشود، حمله نظامی صورت بگیرد، و غیره با قدرت بایستیم. از یکسو جمهوری اسلامی به این نوع تبلیغات نیاز دارد تا به این بهانه مبارزات و اعتراضات مردم را عقب براند و صورت مساله را به مقابله با دشمن خارجی تغییر بدهد و از سوی دیگر نیروهای راست به این تبلیغات دامن میزنند تا مردم را در انتظار تحولی از بالا نگهدارند و زمینه را برای قدرت گیری خودشان به کمک آمریکا فراهم کنند. از هر دو جنبه این گفتمان ارتجاعی و ضد مردمی و در مقابل اعتراضات و اعتصابات و جنبشهای اعتراضی است که همه جامعه را فراگرفته است. وظیفه نیروهای انقلابی مثل حزب ما اینست که با تمام قدرت در مقابل این تبلیغات بایستیم و آنها را افشا و خنثی کنیم.

**کیوان جاوید :** یک گرایش ضد آمریکائی هم در میان طیفهای مختلف اپوزیسیون و حتی در میان نیروهای سرنگونی طلب وجود دارد که وقتی گفتمان حمله نظامی و جنگ بالا میگیرد به سمت دفاع از حکومت متمایل میشوند. چقدر این نیروها میتوانند به مانعی بر سر راه مبارزات مردم تبدیل بشوند.

**حمید تقوائی :** این هم یکی از عوارض این نوع تبلیغات است. بعضی از نیروهای سلطنت طلب و طبعا ملی اسلامیون اپوزیسیون حکومت موضعشان اینست که در صورتیکه به "مام میهن" حمله بشود وظیفه ما دفاع از کشور و تمامیت ارضی و غیره است و به این ترتیب عملا و یا صریحا در کنار جمهوری اسلامی قرار میگیرند. معمولا اعلام میکنند در صورت حمله نظامی باید مبارزه علیه جمهوری اسلامی را متوقف کرد و مقابل آمریکا ایستاد. در دوره جنگ ایران و عراق هم شاهد چنین موضعگیریهای پرو رژیمی ای بودیم. خنثی کردن این نوع تبلیغات و موضعگیریها هم یکی از وظایف ماست.

**کیوان جاوید :** بعنوان آخرین سئوال، حزب چه سیاست و فعالیتی در رابطه با این شرایط در دستور کار خودش قرار میدهد؟

**حمید تقوائی :** این اولین بار نیست که احتمال حمله نظامی آمریکا و رژیم چنج و غیره مطرح میشود. ما همیشه در برابر این نوع تبلیغات و جوسازیها و فضای سیاسی اعلام کرده ایم که اولا باید با تمام قدرت از حمله نظامی هر نیروئی، آمریکا و یا هر دولت دیگری، جلو گیری کرد چون وقوع جنگ هم از جنبه انسانی و ویرانی و کشتاری که بدنبال دارد و هم از نظر سیاسی تماما به ضرر مردم است. جنگ مبارزات و اعتراضات اجتماعی را به عقب خواهد راند و به بقای حکومت کمک خواهد کرد. بنابرین باید در مورد حمله نظامی، هر اندازه هم این احتمال ضعیف باشد، جامعه را آگاه کرد و افکار عمومی راروشن کرد و به توده مردم نشان داد که جنگ و هر نوع حمله نظامی، مانند دوره جنگ با عراق، تماما به ضرر مردم و به نفع حکومت تمام خواهد شد.

ثانیا در صورت حمله نظامی و وقوع جنگ هم سیاست ما تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. اساس مساله، بحران اقتصادی، تحریمها و سایه سیاه جنگ بر بالای سر جامعه، وجود حکومتی است به اسم جمهوری اسلامی. باید برای جلوگیری از وقوع جنگ و در صورتی که چنین جنگی در بگیرد برای ختم جنگ این حکومت را بزیر کشید. مبارزه ما برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی در عین حال جواب ما به جنگ طلبی، جواب ما به تحریمها، جواب ما به بی ثباتی سیاسی هم هست. جامعه باید بداند که ما در هر شرایطی خواهان تشدید مبارزه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی هستیم. چه در فضای جنگی و تبلیغات در رابطه با وقوع حمله نظامی و جنگ و چه در شرایطی که چنین جنگی صورت بگیرد سیاست ما بسیج و سازماندهی و آماده سازی جامعه برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است.\*